



به روزترین مطالب آموزشی
پایه های اول تا ششم



کانال تلگرام @skhtkoshancom

سایت sakhtkoshan.com

سخت کوشان



سخت کوشان

قدیم ترین و تخصصی ترین وبلاگ و سایت آموزش کشور

به روزترین و جدیدترین فایل های آموزشی رازسخت کوشان دانلود کنید

SAKHTKOSHAN.COM

سایت سخت کوشان

@SAKHTKOSHAN.COM

کانال تلگرام سخت کوشان

SHOP.SAKHTKOSHAN.COM

فروشگاه سخت کوشان

زرنظر : سیدجواد تترقی

مدرس ریاضی پایه نهم و دهم تا ششم دبستان

مؤلف بیش از ۳۰ جلد کتاب کار و تیزهوشان ریاض پنجم و ششم





نمره برتر

در هر موقعیتی که هستی

بهترین خودت باش

نمره برتر ، یک سایت آموزشی متفاوت

معنی لغات جدید درس اول و ستایش

دمی: لحظه ای	جوی: پیدا کن	بود: باشد، هست	صبحگاه: هنگام صبح
نهان: پنهان، مخفی	نشان: نشانه، علامت	جهان افروز: روشن کننده ی جهان	غوک: غورباغه
داوری: قضاوت کردن	نیلی: آبی تیره کبود رنگ	برکه: آبگیر، گودالی که در آن آب جمع شده باشد	
انبوه: زیاد، فراوان	زینت داد: تزیین کرد	گلگون: سرخ رنگ	تاب نیاوردند: تحمل نکردند
صنوبر: نام درخت	جلا دادن: شفاف و پاکیزه، صاف و براق	قشر: لایه	دل انگیز: زیبا، جالب
چیره دست: ماهر، استاد، زبردست	معرفت: شناخت	شگفت انگیز: عجیب و غریب، تعجب آور	
پذیرفت: قبول کرد	آویخت: آویزان کرد	ارغوانی: قرمز مایل به بنفش	بگشود ص: باز کرد
رَمه: گله	پهنه ی دشت: سطح دشت	نشانید: گذاشت، قرار داد	سراغ: پی چیزی رفتن، دنبال

واژگان هم خانواده

(صبح - صبحگاه - صبحانه)	(جوی - جوینده)	(روشن - روشنایی)
(بقیه - باقی)	(هنرمند - هنرنا - هنر)	(طبیعت - طبع - طبیعی)
(اثر - تأثیر - موثر)	(معرفت - عرفان - تعریف - معروف)	(تصویر - مصوّر - تصاویر - صورت)
(مزارع - مزرعه - زراعت - زرع)	(مهاجر - مهاجرت - هجرت)	(نقش - نقاش - نقشه)
(هوش - هوشیار - باهوش - هوشمند)	(قشر - اقشار)	(زینت - تزیین)
(پهن - پهنه - پهناور)	(منظره - نظر - ناظر - نظارت)	(انتظار - منتظر)

واژگان متضاد

هست = نیست	متصل = جدا	سوال = جواب	دیدم = ندیدم
آهسته = سریع	نهان = آشکار	نیکی = بدی	روشنایی = تاریکی



معنی لغات جدید درس دوم

عده : مسئولیت	دلنشین : جذاب ، زیبا و قشنگ	لطیف : ملایم ، نرم	پیشین : قبلی ، گذشته
پی در پی : پشت سر هم ، پیوسته	شگفتی : تعجب ، حیرت	کوچ : مهاجرت ، از جایی به جایی رفتن	
نهاده است : قرار داده است	معتدل : آب و هوایی که نه سرد باشد نه گرم	جامه : لباس	
پیمودن : طی کردن ، پشت سر گذاشتن	لطف : محبت ، مهربانی	جست : جهید ، پرید	
جنب و جوش : تلاش و فعالیت بسیار			

واژگان هم خانواده

(جمع - جامع - مجموع - جامعه - جمعه - جماعت)	(مشغول - شغل - شاغل)
(طولانی - طویل - طول)	(اعتدال - معتدل - متعادل)
(معلوم - علوم - علم - عالم - معلم - تعلیم)	(سفر - مسافر - مسافرت)

واژگان متضاد

اوایل = اواخر	معلوم = مجهول	طولانی = کوتاه	کمیاب = زیاد
---------------	---------------	----------------	--------------

معنی لغات جدید درس سوم

آسیاب : دستگاهی برای خرد کردن و آرد کردن گندم و جو و دانه های دیگر	حیات : زندگی
می لنگید : لنگان لنگان راه می رفت، در راه رفتن ناتوان بود	اساس : پایه بنیان
حدس زدم : گمان کردم ، پنداشتم ، فکر کردم	اثاث : وسایل ، ابزار
خار : تیغ	معذرت خواهی: عذرخواهی
زاغ : پرنده ای از خانواده ی کلاغ در اندازه و رنگ های مختلف	قضا : سرنوشت
حیلت ساز: حيله گر ، مکار	خوش آواز: خوش صدا ، خوش نوا
آواز : صدا ، بانگ ، نغمه ، سرود	روبهک : روباه کوچک
بربود:ربود ، برد ، دزدید	طعمه: خوردنی ، خوراک

واژگان هم خانواده

(حاکم - حکم - محکوم)	(گود - گودی - گودال)	(معذرت - عذر - عذرخواهی)
----------------------	----------------------	--------------------------

معنی لغات جدید درس چهارم

حکیم : دانشمند، فیلسوف، طبیب (پزشک) قصد : اراده کردن، نیت، میل افزوده می شد: اضافه می شد
بر افراشته : بالا برده، بالا گرفته شده چاره : راه حل، تدبیر نیک نامی : خوش نامی، معروف به خوبی
تعلیم: یاد دادن

واژگان هم خانواده

(قدیم - قدما - قدمت) (قصد - مقصود - مقصد) (فکر - افکار - تفکر - متفکر)
(حال - احوال - حالت) (حاضر - حضور - حضرت) (حرکت - متحرک - تحرک)
(نجات - منجی - ناجی) (علاقه - علاقمند - تعلق)

معنی لغات جدید درس پنجم

غلام : خدمتکار ، نوکر	کارمت : که برایت بیاورم	ارمغان : هدیه ، سوغات
گریستن : گریه کردن	خواجه : بزرگ ، سرور، تاجر	قضا : سر نوشت، تقدیر
حبس : زندان ، بازداشت	شگرسخن : شیرین سخن ، شیرین گفتار	خطه: سرزمین
بازرگان: تاجر	گران بها: قیمتی ، باارزش	کان: که آن
صحنه: منظره ای واقعی یا خیالی که رویدادی را نشان می دهد.	زین: از این	خام : بیهوده، ناپخته، نسنجیده
تجارت : بازرگانی، داد و ستد، معامله	تپید : جنید، حرکت کرد ، بی قرار شد	راس : واحد شمارش چهارپایان
شادکام: خوشحال	کنیزک: خدمتکار، زنی که برده باشد	بازگو: بیان کردن، دوباره گفتن
همتا : مانند، مثل	زهره اش بدرید : ترسید	دلداری دهد: همدردی کند، غم خواری کند
بند : طناب ، ریسمان	کول : شانه و دوش	قافله : کاروان ، گروه همسفر
	مرغان : پرندگان	

واژگان هم خانواده

(شگفت زده - شگفت انگیز)	(مشتاق - اشتیاق - شوق)	(پیام - پیام رسان - پیامبر)
(موضوع - وضع - اوضاع)	(شرمنده - شرمسار - شرمگین)	(شکایت - شاکی)
(سکوت - ساکت)	(تجارت - تاجر - تجار)	

معنی لغات جدید درس ششم

افراسیاب : فرمانده ی سپاه توران	سرپنجه : نیرومند، توانا	سرانجام : عاقبت و پایان کاری
خاور:مشرق(متضاد باختر، مغرب)	بی تابی : بی قراری، نا آرامی	کمان : ابزار تیراندازی چاره: راه حل
سامان دادن : به ترتیب چیدن ،منظّم کردن	تیزبال : سریع ، تیزبال	رشید: راست قامت ،دلاور
نقص :عیب ، کمی، کاستی	استوار : پابرجا ، پایدار، محکم	پولادین: ساخته شده از فولاد،محکم،نیرومند
تناور: تنومند ، درشت پیکر ، دارای ساقه ی بزرگ و قوی	زمزمه: آوازی که به آهستگی و زیرلب خوانده شود.	
توران : نژادی ایرانی	بردباری: صبر ،شکیبایی	اندوه :ناراحتی ، غم ،غصّه
اندوهگین : غمگین ، غصّه دار ، سوگوار	تحقیر : خوار کردن ، کوچک شمردن	سرپنجه : نیرومند،توانا
بی تاب: بی قرار ، ناآرام	ماهر: استاد	نیم روز : میان روز ، وسط روز
تیغه : لبه ی شمشیر	گهر :گوهر ،مروارید	برآن: تیز ، برنده برق : صاعقه
گوهر فشانی :پراکندن مروارید	دیرین: قدیمی	چابک: تند و سریع ، چالاک
چست: چالاک ، چابک	غرآن: غرش کنان،درحال غریدن	تیره: تاریک ،سیاه
تندر: بانگ رعد، صدایی که هنگام رعدو برق به گوش می رسد	پهن: گسترده	
وارونه : برعکس	بس: بسیار ، خیلی ،فراوان	اندر : در

واژگان هم خانواده

(تحقیر - حقیر - حقارت)	(ماهر - مهارت)	(مشکل - اشکال)
(توانایی - توانا - توان - توانمند)	(رشید - رشادت)	(نقص - ناقص)

واژگان متضاد

پیروزی = شکست	نامید = امیدوار	سختی = آسانی	آشتی = قهر
خاور = باختر	تنگ = گشاد	بی جان = جاندار	محکم = شل

معنی لغات جدید درس هفتم

حضور: حاضر بودن، وجود داشتن	رخسار: چهره، روی، سیما	نشاط: شادی، شوق
خروشان: پرسرو صدا	هیجان: شور و شوق	انبوه: بسیار، فراوان، زیاد
پرتوان: با قدرت، پرنیرو، توانا	غوغا: سرو صدا	اسقبال: به پیشواز کسی رفتن
تپش: تپیدن، جنبش، حرکت	انتظار: چشم به راه بودن، امید داشتن	رخ: صورت، چهره، گونه
هین: بدان، آگاه باش	لحظه شماری: انتظار کشیدن، پیوسته منتظر کسی بودن	
لحظه: زمان خیلی کوتاه	بالاخره: سرانجام، عاقبت	هممه: سر و صدا
خیره شدن: توجه عمیق، نگاه کردن به چیزی بدون چشم برداشتن از آن	بی صبرانه: زود، بی طاقتی، نا آرام	
مشام: بینی	برنا: جوان	

واژگان هم خانواده

(مشتاق - اشتیاق - شوق)	(صبر - صبور - صابر)	(اشعار - شعر - شاعر)
(متوجه - توجه)	(درس - مدرس - تدریس)	(فعالیت - فعال - فاعل - فعل)

معنی لغات جدید درس دهم

رونق داشتن : خوب بودن وضع کسب و کار	حرفه : شغل ، پیشه ، کار	طبع : ذوق، استعداد
جویا : کنجکاو ، جستجوگر	اقامت گزیدم : درجایی ساکن شدم ، ماندم	کنج : گوشه
فروزان : تابان ، درخشان ، روشن	ذوق : شور و شوق ، علاقه . توانایی	قریحه : ذوق و استعداد
عاجز: ناتوان ، درمانده	استعداد : آمادگی ، توانایی	مقصود : خواسته ، آرزو ، نیت
لبریز : پر،لبالب	دایرشدن : تشکیل شدن ، ایجاد شدن	سرمشق : الگو، نمونه
فعال: پرکار ، کوشا	فعالیت: کوشش ، تلاش	مکتب : محل درس خواندن، نام مدرسه در قدیم
پرشور : پر حرارت ، با هیجان	اجتماع : گروه ، جمعی از دسته های انسانی	از پس : از پشت
اطفال : کودکان	ویژه : خاص ، مخصوص	ابداع : نوآوری ، چیزی را از نو پدید آوردن ، ایجاد کردن
بام : بالای ساختمان ، پشت بام	پشتکار : تلاش برای انجام کاری ، با علاقه کاری را پیگیری کردن	
پند : نصیحت ، اندرز	سرگذشت : شرح حال	اراده : خواست ، میل ، تصمیم
صبر : شکیبایی ، بردباری	خشنود : راضی ، خوشحال ، شادمان	آیت : نشانه
هما : پرنده ای افسانه ای که سایه اش باعث سعادت مندی می شود	ابوالعجائب : پدر شگفتی ها	
ماسوا: موجودات ، مخلوقات ، غیر از خدا	رخ : سیما ، صورت	مسکین : فقیر ، تهی دست
قسم : سوگند	کرم : لطف ، جوانمردی ، بزرگواری	نگین : سنگ قیمتی که رویانگشتر می گذارند
مدارا : با نرمی و ملایمت رفتار کردن	علم کند : معرفی کند ، برپا کند ، مشهور بسازد	

واژگان هم خانواده

(کتاب - مکتوب - کاتب - مکتب)	(مقصود - قصد - قاصد)	(راضی - رضایت - مرضیه)
(قبول - قابل - مقبول)	(صبر - صبور - صابر)	

معنی لغات جدید درس یازدهم

اعتقاد : باور، ایمان ، عقیده محتاج : نیازمند سقوط : افتادن دژ:حصار ، حلقه

متجاوز: ستمگر، کسی که به دیگران ظلم می کند. گذرگاه : محل عبور، جای گذر

وصف ناپذیر: غیر قابل توصیف، وصف نشدنی سقا : کسی که به تشنگان آب می دهد.

نظاره می کرد : نگاه می کرد ، تماشا می کرد مانع : جلوگیری کننده ، سد

ترجیح دادن : برگزیدن، کسی یا چیزی را بردیگری برتری دادن

تسخیرناپذیر : مکان یا چیزی که به آسانی نتوان آن را به دست آورد ، مکان یا چیزی که دسترسی به آن دشوار است.

مسئولیت : سرپرستی یک کار مهم عملیات : فعالیت ها ، کارها دم : لحظه ، زمان کوتاه

مقابله : رویارویی ، مواجهه بی وقفه : بی درنگ ، بدون توقف ، پشت سرهم

حمله : هجوم ، یورش ، تاختن

واژگان هم خانواده

(منع - مانع - ممانعت) (محتاج - احتیاج) (وصف - توصیف)

(نظام - ناظم - نظم - منظم) (مظلوم - ظلم - ظالم) (تسلیم - اسلام - مسلم - مسلمان)

(شکر - تشکر - شاکر) (اعتقاد - معتقد)

معنی لغات جدید درس دوازدهم

صمیمی : یکدل ، همدل	حومه : اطراف	سطر : یک خط از یک نوشته
حسرت خوردن : آه و افسوس کردن ، حسرت کشیدن		مختصر : کوتاه ، کم ، گزیده
اسرار : جمع سر ، رازها		لاشه : جسد

واژگان هم خانواده

(شوق - اشتیاق - مشوق - تشویق)

(مثل - مثال - امثال)



معنی لغات جدید درس سیزدهم

ربّ جلیل : خدای بلند مرتبه، خدای بزرگ	عدل : انصاف ، عدالت ، رعایت برابری
بنده پروری : رفتار دوستانه داشتن ، مهربانی و لطف کردن	طغیان : از حد خود گذشتن ، بالا آمدن آب
حسرت : اندوه ، آه و افسوس	خرد : کودک ، کم سن و سال
وحی : آن چه از طرف خدا به پیامبران نازل شود.	درفکند : انداخت ، رها کرد ، افکند
شیوه : راه و روش	گاهوار : گهواره
شنیدستم : شنیده ام	شهباز: باز ، نوعی پرنده شکاری سفید با پنجه و منقار قوی
کهنسال : پیر	تاخت : حمله کرد
پران : درحال پریدن ، درحال پرواز	اجل :پایان زندگی ، زمان مرگ
نگون اقبال : بدبخت ، تیره بخت	زه : چله ی کمان
صلاح : شایسته ، مصلحت	حیّ داور: خداوند ، پروردگار
صیاد : شکارچی	تازان : با سرعت ، پرشتاب

واژگان هم خانواده

(جلیل - جلال)	(باطل - ابطال)	(عدل - عدالت - عادل)	(لطف - لطیف - الطاف - لطافت)
---------------	----------------	----------------------	------------------------------

معنی لغات جدید درس چهاردهم

مشک : ماده ای روغنی که بسیار معطر و خوش بو است. طبله : صندوقچه عطار : عطر فروش

اندوخت : جمع کرد ، گردآوری کرد آموخت : یاد داد ، یاد گرفت غازی : جنگجو

قاضی : داور پرهیز کردن : دوری کردن ، خودداری کردن از انجام کاری

طبل غازی : طبلی که در پیشاپیش لشکر به صدا در می آید ، طبل جنگی

واژگان هم خانواده

(رنج - رنجور - رنجیده) (عطار - عطر - معطر) (ادب - مودب - ادیب - آداب)

(طلب - طالب - مطلوب) (عالم - علم - علوم - معلوم) (عمل - عملیات)

واژگان متضاد

نادان = دانا عالم = جاهل بی ادب = با ادب بلند آواز = خاموش

معنی لغات جدید درس پانزدهم

بیشه : جنگل ، جنگل کوچک	خفته : خوابیده به خواب رفته	متغیّر : خشمگین ، عصبانی
حول و حوش : اطراف ، دورو بر ، گرداگرد	صید : شکار	هراس : ترس ، احساس نگرانی
یک غازی : بی ارزش ، ناچیز	بازیگوش : کسی که بیشتر به فکر بازی و تفریح است.	
مغفرت : بخشش گناهان ، آمرزش	وحوش : جانوران وحشی ، جانوران اهلی نشده (جمع وحشی)	
موشک : موش کوچک	خطاکار : کسی که کار نادرستی انجام داد ، گناهکار	
حاصل کرد : به دست آورد ، کسب کرد	چار : چهار	رحم : مهربانی ، بخشیدن
سحر آمیز : جادویی ، بسیار شگفت انگیز	جست : جهید	

واژگان هم خانواده

(متغیّر - تغییر)	(مغفرت - استغفار)	(رحم - رحمان - رحیم)	(صید - صیاد)
(عوض - تعویض)	(حاصل - محصول - حصول)		

معنی لغات جدید درس شانزدهم

معلق : آویزان	واپسین : آخرین ، پایانی	فیلسوفان : جمع فیلسوف ، دانشمندان علم فلسفه
گریزان : گریزنده ، شتابان	فلان : اشاره به شخص نامعلوم	در گذرم : از دنیا بروم ، بمیرم
گویی : مثل اینکه ، مانند اینکه	منتظر : چشم به راه ، کسی که انتظار می کشد	
دانش اندوزی : علم آموزی ، یادگیری ، فراگیری دانش	سپری شد : به پایان رسید ، به اتمام رسید	
اتفاق : رویداد ، پیشامد ، حادثه	جاهل : نادان ، بی خبر	
واپسین : آخرین ، پایانی	برنا : جوان	فضای : بیفزای ، اضافه کن
رامش : آرامش ، آسودگی		

واژگان هم خانواده

(شبهه - شباهت - تشبیه)	(کشف - کاشف - مکشوف)	(جهل - جاهل - مجهول)
------------------------	----------------------	----------------------

معنی لغات جدید درس هفدهم و نیايش

دلنشين : جذاب ، زيبا و قشنگ نمايان : آشكار معرفت : شناخت مجازي : غير واقعي

فناوري : استفاده از علم در كارهاي مختلف مانند پزشكي ، كشاورزي ، بازرگاني و ...

فضل : بخشش رحمت : مهرباني ، دلسوزي ، بخشايش صواب : راست ، درست

كامران : پيروز ، موفق توفيق : موفقيت ، كاميابي ذات : وجود ، هستي لفظ : زبان

حامي : نگهبان ، پشتيبان ناظر : نظاره گر ، بيننده ثنا : ستايش ، ستودن

احسنت : آفرين عثاف : بيكار صاحب : دارنده ، مالك اثر : نشان ، علامت

عيب : نقص ، كمبود باز : دوباره ، از نو رطب : خرماي تازه

منع كردن : بازداشتن ، دور كردن مستجاب : پذيرفته شده ، بر آورده

واژگان هم خانواده

(نفس - تنفس) (عميق - عمق - اعماق) (واقعي - واقعيت - واقعا) (منتقل - انتقال)

واژگان متضاد

مجازي = واقعي حاضر = غايب اولين = آخرين